















































به نظر می‌رسد نیما در سرودن شعر بیشتر به موسیقی بیرونی «وزن» و گاه «قافیه» کناری توجه داشته است. شعر خوب، شعری است که هم موسیقی داشته باشد و هم معنی، و چنین شعری بر موسیقی برتری دارد، ولی شعر موسیقی دار بی معنی، از موسیقی فروتر است. در شعر اردو ساحر لودهانوی، جان نثار اختر، حفیظ جالندهری، اقبال لاهوری، قتیل شفایی و فیض احمد فیض در سرودن شعر بیشتر از دیگران از موسیقی بهره برده اند.

### یادداشتها

1. خسرو فرشیدورد، درباره‌ی ادبیات و نقد ادبی، ج 2، امیرکبیر، تهران، 1363، ص 798.
2. سیروس شمیسا، راهنمای ادبیات معاصر، نشر میترا، تهران، 1383، ص 36.
3. محمد ناصر، تحول موضوع و معنا در شعر معاصر، نشر نشانه، تهران، 1382، ص 68.
4. درباره‌ی هنر و ادبیات، ش 7، گفت و شنودی با اخوان ثالث، ص 24.
5. اخوان ثالث، ارغنون، ج 9، تهران، مروارید 1370، ص 42.
6. شمس لنگرودی، تاریخ تحلیلی شعرنو، 4 جلد، ج 1، تهران، نشر مرکز، 1377، ص 434.
7. همان، ص 375.
8. همان، ص 49.
9. محمد ناصر، تحول موضوع و معنا در شعر معاصر، نشر نشانه، تهران، 1382، ص 141.
10. فروغ فرخزاد، دیدار در شب، اشعار کامل فروغ، چاپ اول، نوید، آلمان، 1368، ص 346.
11. محمد حقوقی، شعر و شاعران، ص 182 - 183.
12. سیروس طاهباز، درباره‌ی شعر و شاعری، مجموعه‌ی آثار نیما یوشیج به کوشش دفترهای زمانه، تهران چاپ اول، ص 440.
13. همان، ص 237.
14. عبدالعلی دست غیب، تحلیلی از شعر نو فارسی، ص 107.

